

متن مستند مقتل و اشعار شب ششم محرم ۹۲ هیئت میثاق با شهدا

مقتل شب ششم محرم ۹۲. مقتل حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام

تاریخ طبری: ج ۵ ص ۴۴۷.

تاریخ الطبری عن حمید بن مسلم: خَرَجَ إِلَيْنَا غُلامٌ كَانَ وَجْهَهُ شِقَّةً قَمَرٍ، فِي يَدِهِ السَّيْفُ، عَلَيْهِ قَمِيصٌ وَإِزارٌ وَنَعْلانِ
قَدْ انْقَطَعَ شِسْعُ أَحَدِهِمَا - ما أنسى أَنها الیسری - فَقَالَ لِي عَمْرُو بْنُ سَعْدِ بْنِ نَفِيلِ الْأَزْدِيِّ: وَاللَّهِ لَأَشُدَّنَّ عَلَيْهِ!
فَقُلْتُ لَهُ: سُبْحانَ اللَّهِ! وما تُريدُ إِلى ذلِكَ؟! يَكفِيكَ قَتْلُ هؤُلاءِ الَّذِينَ تَراهُمُ قَدْ احتولواهُم. قال: فَقَالَ: وَاللَّهِ لَأَشُدَّنَّ
عَلَيْهِ؛ فَشَدَّدَ عَلَيْهِ. فَمَا وَلَّى حَتَّى ضَرَبَ رَأْسَهُ بِالسَّيْفِ، فَوَقَعَ الْغُلامُ لِوَجْهِهِ، فَقَالَ: يا عَمّاه! قال: فَجَلَّى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ
السَّلامَ كَمَا يُجَلَّى الصَّقْرُ، ثُمَّ شَدَّ شِدَّةً لَيْثٍ غُضْبًا، فَضَرَبَ عَمْرًا بِالسَّيْفِ، فَاتَّقاهُ بِالسَّاعِدِ، فَاطَّناهُ مِنَ لَدُنِ الْمِرْفَقِ،
فَصَاحَ، ثُمَّ تَنَحَّى عَنْهُ وَحَمَلَتْ خَيْلٌ لِأَهْلِ الْكُوفَةِ لَيْسَتْ تَقْدُوا عَمْرًا مِنْ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلامَ، فَاسْتَقْبَلَتْ عَمْرًا
بِضُورِها، فَحَرَّكَتْ حَواثِرَها وَجالتِ الْخَيْلُ بِفُرسانِها عَلَيْهِ فَوَطَّئَتْهُ حَتَّى ماتَ. وَأَنْجَلَتْ الْعَبْرَةَ، فَإِذا أَنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ
السَّلامَ قائِمٌ على رَأْسِ الْغُلامِ، وَالْغُلامُ يَفْحَصُ بِرِجْلَيْهِ؛ وَحُسَيْنٌ عَلَيْهِ السَّلامَ يَقُولُ: بَعْدًا لِقَوْمِ قَتْلوكَ، وَمَنْ خَصَمُهُمْ
يَوْمَ الْقِيامَةِ فَيْكَ جَدُّكَ! ثُمَّ قال: عَزَّ وَاللَّهِ على عَمِّكَ أَنْ تَدْعُوهُ فَلَما يُجيبُكَ، أَوْ يُجيبُكَ ثُمَّ لا يَنْفَعُكَ! صَوْتُ
وَاللَّهِ كَثُرَ وَاتْرَهُ وَقَلَّ ناصِرُهُ. ثُمَّ احتَمَلَهُ، فَكَانَتِي أَنْظُرُ إِلى رِجْلِي الْغُلامِ يَخُطَّانِ فِي الْأَرْضِ، وَقَدْ وَضَعَ حُسَيْنٌ صَدْرَهُ
على صَدْرِهِ، قال: فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: ما يَصْنَعُ بِهِ؟ فِجاءَ بِهِ حَتَّى ألقاهُ مَعَ ابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَقَتلى قَدْ قُتِلَتْ حَولَهُ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَسَأَلْتُ عَنِ الْغُلامِ، فَقِيلَ: هُوَ الْقاسِمُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبِ.

ترجمه: تاریخ الطبری - به نقل از حمید بن مسلم - : جوانی به سان پاره ماه شمشیر به دست، به سوی ما آمد.
او پیراهن و بالاپوش و کفش هایی داشت که بند یک لنگه اش پاره شده بود، و از یاد نبرده ام که لنگه چپ آن
بود. عمرو بن سعد بن نفیل ازدی به من گفت: به خدا سوگند بر او حمله می برم. به او گفتم: سبحان الله! از آن
چه می خواهی؟! کشتن همین کسانی که گرداگرد آنها را گرفته اند برای تو بس است. گفت: به خدا سوگند، به او
حمله خواهم برد! آن گاه بر او حمله برد و باز نگشت تا با شمشیر بر سرش زد. آن جوان به صورت [بر زمین]
افتاد و فریاد برآورد: عموجان! حسین علیه السلام مانند باز شکاری نگاهی انداخت و مانند شیر شرز به
عمرو، یورش برد و او را با شمشیر زد. او ساعد دستش را جلوی آن گرفت اما از آرنج، قطع شد. فریادی

کشید و از امام علیه السلام کناره گرفت. سواران کوفه یورش آوردند تا عمرو را از دست حسین علیه السلام برهانند؛ اما عمرو در جلوی سینه مَرکب ها قرار گرفت و سواران با اسب بر روی او رفتند و وی را لگدمال کردند تا مُرد. غبار [نبرد] که فرو نشست حسین علیه السلام بر بالای سر جوان ایستاده بود و او پاهایش را از درد به زمین می کشید. حسین علیه السلام فرمود: «از رحمت خدا دور باد گروهی که تو را کُشتند و کسانی که طرفِ دعوایشان در روز قیامت جدّ توست!». سپس فرمود: «به خدا سوگند، بر عمویت گران می آید که او را بخوانی و پاسخت را ندهد یا پاسخت را بدهد و سودی نداشته باشد؛ صدایی که - به خدا سوگند - جنایتکاران و تجاوزگران بر آن فراوان و یاورانش اندک اند». سپس او را بُرد و گویی می بینم که پاهای آن جوان بر زمین کشیده می شود و حسین علیه السلام، سینه اش را بر سینه خود، نهاده است. با خود گفتم: با او چه می کند؟ او را آورد و کنار فرزند شهیدش علی اکبر و کشتگان گرد او - که از خاندانش بودند - گذاشت. نام آن جوان را پرسیدم. گفتند: قاسم بن حسن بن علی بن ابی طالب است.

غزل مرثیه

شاعر: میلاد عرفان پور

آنان که با غم حسنین آشنا شدند
خونین جگر شدند و حسینی فدا شدند
مظلوم عالم است حسن نیز چون حسین
هر دو ولی فدای غم مرتضا شدند
آن تیرهای مانده به تابوت مجتبی
آخر نصیب حنجر خون خدا شدند
آنانکه با حسن سر یاری نداشتند
شمر و یزید و حرمله ی کربلا شدند
تنها گذاشتند حسن را و عاقبت
دنبال سیم و زر به صف اشقیبا شدند
یاران بی بصیرت او بعد کربلا
انگشت ها گزیده به کار عزا شدند

زمینه، برادر امیر عباسی
سلام علی قاسم بن الحسن
شده ماه من پاره پاره بدن
گل لاله‌ام گشته نقش چمن
سلام علی قاسم بن الحسن
گل من چه زیبا شکوفا شدی
اجل شد غسل غرق اهلی شدی
به زیر سم اسب این دشمنان
تو ای نونهالم چه رعنا شدی
سلام علی قاسم بن الحسن
مزن دست و پا پیش چشم ترم
مکش پا به روی زمین در برم
گل مجتبی این تن پاره را
در آغوش خود می‌برم تا حرم
سلام علی قاسم بن الحسن
امیری حسین و نعم الامیر
به هر بزم و هر کوی و هر انجمن
سرم خاک پای حسین و حسن
پدر در دو گوشم سرود این سخن
که ای نازنین طفل دلیند من
حسینی بمان و حسینی بمیر
امیری حسین و نعم الامیر
زخون جگر پاک پاکم کنید
سپس عاشق سینه چاکم کنید
به تیغ محبت هلاکم کنید
به صحن ابوالفضل خاکم کنید
که خاکم دهد بوی مشک و عبیر
امیری حسین و نعم الامیر
خیالش زمن دلربایی کند

غمش در دلم خودنمایی کند
نوازش مرا نینوایی کند
ولایش مرا کربلایی کند
بدانند خلق از صغیر و کبیر
امیری حسین و نعم الامیر

واحد شب ششم محرم ۹۲

شاعر: مهدی سیار و میلاد عرفان پور

به هر جا و هر لحظه دارد / برادر هوای برادر
نشد یک نفس کم گذارد / برادر برای برادر
مرام حسین و حسن چیست؟ / برادر فدای برادر
کنون روبروی حسین است / رخ آشنای برادر
به پایت می افتم / عموجان عموجان
بده اذن میدان / بده اذن میدان

(الوداع عمو جانم)

اگر تشنه بودم عموجان / غم تو مرا تشنه تر کرد
عموجان ببین غربت تو / مرا چون پدر خونجگر کرد
در آغوش تو گریه هایم... / در آغوش من گریه هایت...

خوشا ارباً ارباً چو اکبر / فداکردن جان برایت

بیابان به جنت / بدل شد عموجان

به کامم شهادت / عسل شد عموجان

(الوداع عمو جانم)

امام زمان یابن زهرا / به داد زمین و زمان رس
دوباره دمشق و غریبی / ببین زینبت مانده بی کس
بیا و بگو یا لثارات / که با این نوا جان بگیریم
بیا تا حریم خدا را / از این بت پرستان بگیریم

بیا یابن زهرا/ که چشم انتظاریم
که غیر از تو دیگر/ پناهی نداریم
(العجل یابن الزهرا)

واحد :

شاعر: محمد مهدی سیار
به شکوه علم تو دل سپردم
به صفای حرم تو دل سپردم
موج عشق تو کِشاندَم به هر سو
که به دریای غم تو دل سپردم
خوشا، دلی که نذر این ماتم شد
که دم به دم، به خون دل همدم شد
محرّمی، در این حرم مَحرم شد
(حسین، حسین مولا اباعبدالله)
سرگذشت ما بُود از سر گذشتن
سرنوشت ما به روی نیزه رفتن
زندگانی سر به سر یک یا حسین است
ای فدای نام تو این جان و این تن
کجا رویم اگر برانی ما را؟
کجا بریم دگر دل شیدا را؟
خودت ببین حسرت این دلها را
(حسین، حسین مولا اباعبدالله)

دم پایانی هیات میثاق با شهدا دانشگاه امام صادق. محرم ۱۳۹۲

سید و مولا حسین، آرام دلها حسین

زَمزمه‌ی عاشقان، یاحسین و یاحسین

ندارم غیر تو فکر و خیالی بنفسی انت و اهلی و مالی

روضه‌های مقتل را، مثل باران می‌گرییم

در غم تو این شبها، با شهیدان می‌گرییم

اشک ما مرثیه خوان فرات است مولای ما قتیل العبرات است

با ولایت می‌مانیم، شور ما از عاشوراست

ای عاشقان بسم الله، راه قدس از کربلاست

تنها نگذارم در میدان، ولی را مولایم رهبرم سید علی را

کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا

وارث خون حسین، مهدی زهرا بیا

یار مظلومان کی میرسی از راه العجل العجل یا حجة الله

شاعر: محمد مهدی سیار و میلاد عرفان پور

نجوا با امام زمان، برادر امیر عباسی

بیا یابن الحسن دردم دوا کن

مرا با دیدنت حجت روا کن

بیا یابن الحسن دورت بگردم

بیا تا دست خالی برنگردم

آن سفرکرده که صد قافله دل همراه اوست

هرکجا هست خدایا به سلامت دارش

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.